

سیاست میا ندادارانه

فیاض زاهد

با نگاهی به سخنان رهبري نظام!

شرایطی بر کشور حاکم شده که نویسندگان و روزنامه نگاران وطن کمتر راغب هستند درباره سخنان رهبري نظام شرحی بنگارند، تمجیدی کنند، نقدی وارد کنند یا درباره آن کلیات نکاتی را مطرح کنند. برای من بارها پیش آمده که یا در نقد یا حمایت و همراهی با مواضع ایشان خواستم چیزی بنویسم. اما راستش خودداری کردم. چون در فضای دوییت و تردید و اتهام، حرفها آنطور که باید شنیده نمیشود. یکی از آن جهت که عمده ما تابع آن حکایت سعدي هستیم که گفته بود: دو برادر یکی خدمت سلطان کردی و دیگر به زور بازو نان خوردی. ما حتی اگر دوست هم داشته باشیم خدمت سلطان کنیم، طبع تنزه طلب و ریاکارمان مجال نمیدهد. برخی نیز البته به راستی چنین هستند که نان به بازوی خود خورند و از تملق و مداهنه بیزارند. القصه؛ اما دو فرار سخنان رهبري در دو هفته اخیر ذهن مرا سخت مشغول کرد. اولی مواضعی بود که در ملاقات با اردوغان اتخاذ کردند. این رویکرد بسیار هوشمندانه، دقیق و قابل توجه بود و جا دارد متخصصان حوزه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک به آن توجه کنند. تاکید بر عدم تغییر مرزهای ارمنستان، تامل بر لزوم حفظ امنیت ترکیه و عدم پذیرش تغییر تمامیت ارضی سوریه. نحوه انتخاب کلمات، شکل بدن رهبري و نوع نگاهشان به اردوغان و صلابت وی صحنه کم بدیلی را رقم زد.

هرچند منتقد فرمایش ایشان درباره لزوم حمله روسیه به اوکراین هستم. ایشان که استاد بهره‌وری از کلمات و مفاهیم و ابداعات و اصطلاحات ادبی هستند، می‌توانستند بهتر موضع خود را اعلام کنند. اینکه از جنگ و ناراحتی مردم رنج می‌برند و بحران اوکراین ضرورتاً بخشی به دلیل تحریکات امریکا، بلندپروازی‌های ناتو و فقدان تحلیل جامع رهبران اوکراین بوده است. اما یک چیزی در این تحلیل غایب بود، تمایل تاریخی روسیه برای اشغالگری سرزمین‌های دیگر. هیچ بهانه‌ای نمی‌تواند به دولتی اشغالگر اجازه اشغال سرزمین‌های دیگر را بدهد. مگر ما ادعاهای صدام را درباره تحریک رهبران انقلابی ایران مجوز درستی برای حمله به ایران می‌دانیم؟ تجاوز تجاوز است و با همه معیارهای اخلاقی، حقوقی و بین‌الملل در تعارض.

اما فراز دیگر سخنان رهبري انقلاب، سخنان بسیار مهمشان در ملاقات با ائمه محترم جمعه بوده است. دوست دارم در این باره نظراتم را با شما در میان بگذارم. شاید این اقدام فتح باب گفتوگوهایی محترمانه و مودبانه و منتقدانه با نهادهای حاکمیت باشد. تجربه آشنایی من با ایشان در دوره جوانی می‌گوید که سخن بین و لین و منطقی را برمی‌تافتند و استقبال می‌کردند. از سویی بر این باورم که زمانه اعمال «سیاست میاندارانه» است. می‌توانیم در دو سوی رود بایستیم و چون شر مطلق به همدیگر بنگریم یا می‌توانیم به سهم خود از تنشها و اختلافات پرهیز و زمینه گفتوگوهایی ملی را فراهم آوریم.

مهم‌ترین فرازهای سخنان ایشان را در چند بند آورده‌ام و نکته مختصری هم بدانها فزوده‌ام.

فاصله نماز جمعه ایده‌آل با نماز جمعه امروز این آشنایی و آگاهی از وضعیت نمازهای جمعه نقطه مطلوب توجه ایشان به مناسکی است که می‌توانست وحدت‌آفرین، معنویت‌زا و عامل پیوند همه سلیق باشد. باید دید چه عواملی سبب شد که نمازهای جمعه محلی برای خودنمایی مدیران هر ولایت در صفوف اول و فراری بودن جوانان و نسل جدید شده است!

2- خصیصه نماز جمعه بر دو رکن ذکر و تبلیغ تقوا و حضور مردم استوار است. عملاً این دو نیز مغفول می‌ماند. وزن سیاسی و جبهه‌گیری‌های جناحی نماز جمعه بر دیگر ارکانش می‌چربد. زمانی بود که همه موافقین انقلاب به نماز می‌رفتند و منتقدین و مخالفان انقلاب را با نماز جمعه کاری نبود. امروز اما دیگر کار به حذف خودی‌ها رسیده است. در حالی که رهبري استراتژی نظام را درباره تلفیق دیانت و سیاست مورد تاکید قرار داده، باید مطالعه منصفانه و غیرجانبدارانه‌ای صورت گیرد که آیا این هدف محقق شده یا اساساً امکان تحقق دارد؟ نکته ظریف رهبري درباره دعوت ائمه جمعه به تقوا و بعد رفتارهای دیگرشان در طول هفته است. ائمه جمعه زندگی و سکنت‌شان و اطرافیان‌شان مورد نظارت مردم است. مردم به آن سخنان نگاه نمی‌کنند، بلکه آن امام را با رفتارش می‌سنجند. همان‌گونه که امام صادق(ع) فرمود مردم را با اعمال‌تان دعوت کنید. اشاره ایشان به مراسم غدیر و اینکه همه جور آدمی در این مراسم شرکت می‌کنند. حال سوال این است که چرا از حضور این «همه جور آدم» در انتخابات و راهپیمایی روز قدس و تشییع سردار دلها استقبال می‌شود و وقتی که خر آقایان از پل رد می‌شود، یادشان می‌افتد که تنها کارکرد امر به معروف و نهی از منکر، دو نخ موی دختران ایران‌زمین است. آنقدر هم هوش ندارند که بدانند اینگونه رفتارهای سخیف با

مردم نجیب ایران در راستای تامین اهداف همان بلندگوهای است که رهبری درباره آنها انداز داده‌اند. چرخه جالبی است، نیروی انتظامی با رفتارهای ناشایست خود خوراک فراهم می‌کند، شبکه‌های بیرونی با پخش آنها منویات خود را به پیش می‌برند!

نکته دیگری که برای من جالب بود، این حقیقت که برای رابطه با جوانان طراحی کنید. مبدع باشید. به سراغشان بروید. خود ایشان در دوره مبارزه در مشهد، حلقه وصل روشنفکران، شاعران، نویسندگان، ارباب موسیقی و تئاتر بوده‌اند. هیچ روحانی، تاکید می‌کنم هیچ آخوندی از شاگردان امام راحل ویژگی‌های روشنفکری و مراوده با نواندیشان و نویسندگان و شاعران را چون آیت‌الله خامنه‌ای نداشتند. از دوستی با عماد خراسانی تا اخوان ثالث و محمدتقی شریعتی و حمایت از علی شریعتی و ده‌ها نمونه دیگر. منحصر به فرد بودند در این رابطه. - هرچند متاسفم که نماینده رهبری در خراسان؛ امروز چهره‌ای است که بیشترین ظلم را در تخریب وجهه رهبری روا داشته و با آن سابقه رهبری هیچ تناسبی ندارد- پس چون خود راه رابطه با جوانان را بلد بوده و هستند به ائمه جمعه توصیه می‌کنند. من در زمانی که به تازگی انتشار دادم به بازسازی چهره روحانی انقلابی و تعاملش را با يك معلم چپ نوشته‌ام. در رمان «خاک سرد است» اما امروز دیگر امام جمعه خود را يك مقام حکومتی می‌داند. اصلاً نیازی نمی‌بیند خود را به زحمت بیندازد و سراغ جوانان برود. اگر هم برود مطمئن باشید کاری می‌کند از انقلاب فراری شوند؛ چرا؟ چون تحصیلات مرتبط، آموزش‌های لازم و از همه مهم‌تر، عشق این کار را ندارند. برای بسیاری از این آقایان ساخت پمپ‌بنزین و پاساژ و بورس اوراق بهادار و تاسیس بانک و ایجاد شهرک‌های لوکس اولویت دارد. برخی را نیز می‌شناسم که بر زمین‌های کشاورزی به بهانه ساخت حوزه علمیه هکتارها زمین را تصرف کرده‌اند. نه استاندار نه فرماندار نه اطلاعات و نه هیچ صاحب‌منصبی قدرت و جرات برخورد را ندارد. لذا وقتی فرمودند وارد کار اقتصادی نشوید، باید آن را به فال نیک گرفت و البته به دلیل جذابیت این امر مراقبت کرد به بهانه‌های دیگری فیلشان یاد هندوستان نکند. نکته دیگر اما تاکید بر سخنان پر مغز و نقص در نمازهای جمعه است. من از رهبری نظام استدعا دارم که به ستاد ائمه جمعه بفرمایند کاری که همواره حکومت‌های اهل سنت را بر آن نقد می‌کردیم انجام ندهند. مرحوم مطهری و بسیاری از روحانیون نوگرا اهل سنت را به دلیل وابستگی روحانیت به دربار شاهان ملامت می‌کردند و افتخارشان آن بود که مرجعیت شیعه وابسته به حکومت و دربار نیست و از مردم ارتزاق می‌کند. ائمه جمعه در سراسر

کشور تابع بولتن‌ها هستند. هر هفته چیزی می‌گویند که از بالا ارجاع می‌شود. مگر ائمه جمعه مشکل بومی و محلی ندارند؟ دردهای اجتماعی خاص منطقه خود را ندارند؟ مگر حکومت منویاتش را از هزاران بلندگو و صدا و سیما تبلیغ نمی‌کند؟ چرا نمی‌گذارند نوعی از همدلی مردمی و منطقه‌ای و طرح مشکلات جدی مردم طرح شود! وقتی چنین نمی‌کنیم امام جمعه‌ای هم پیدا می‌شود و در استانی که پنج بار زیر چکمه سربازها و سالدات‌های روسی رفته در نماز جمعه بگوید روس‌ها هیچگاه به ما خیانت نکرده‌اند و این امر موجب استهزا و انتقاد می‌شود. اما فرار اصلی سخنان رهبری درباره زنان بود. اصلاً آبی بود بر آتش. ایشان از این دست توصیه‌ها قبلاً نیز داشته‌اند، منتها مدعیان ارزشی چون منویات سیاسی‌شان را بر تأکیدات پدران و خردمندان ایشان ترجیح می‌دهند، می‌دانند چگونه جعل مفهوم کنند. این تلاش شبانه‌روزی نیروهای مشکوک در نظام برای ایجاد دوقطبی و بی‌حرمتی و بی‌احترامی به بانوانی که متفاوت می‌اندیشند و سبک پوشش متفاوتی دارند، می‌توانست به پاشنه آشیل و یک تهدید ملی بدل شود. با این تذکر پدران هم باید بساط آن برخوردهای ناشایست جمع شود و هم دستان دشمنان برای ایجاد اختلاف بیشتر خالی‌تر.

منبع: روزنامه اعتماد 8 مرداد 1401 خورشیدی